

بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دبستان‌های دوره اول شهرستان البرز

هانیه سلطانیان^{۱*}، علیرضا بزرگ زاده^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی، دانشگاه پیام نور کرج و معلم دبستان
^۲ دکترای مدیریت، مدرس دانشگاه پیام نور کرج

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی انجام شده است. طرح پژوهش غیر آزمایشی و از نوع همبستگی است. نمونه مورد بررسی شامل دانش آموزان پایه سوم دبستان‌های البرز می باشد که با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند در این پژوهش از مقیاس سیاهه هوش هیجانی شوت و سیاهه هوش معنوی کینگ و دسیکو استفاده شده است و وضعیت تحصیلی نیم سال دوم سال تحصیلی دانش آموزان به عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. داده ها با استفاده از روش همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می دهد که پیشرفت تحصیلی با کلیه مؤلفه های هوش معنوی شامل تفکر وجودی، آگاهی متعالی، تولید معنای شخصی و بسط حالت هوشیاری، از مؤلفه های هوش معنوی و نیز با مؤلفه های خوشبینی، تنظیم هیجان، مهارتهای اجتماعی، کاربرد هیجان از هوش هیجانی رابطه معناداری دارد و نمره کلی هوش هیجانی و هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی ارتباط مثبت و معناداری دارد همچنین یافته های پژوهش بیانگر ارتباط مستقیم و معنادار هوش هیجانی و هوش معنوی با هم می باشد ضمناً نتایج آزمون چند متغیره نشان می دهد بین دختران و پسران در نمرات پیشرفت تحصیلی، هوش هیجانی و هوش معنوی تفاوت قابل توجهی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، هوش معنوی، پیشرفت تحصیلی، دبستان، البرز

مقدمه

هوش مفهومی است که از دیرباز، آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات، ویژگی ها و انواع آن علاقه مند بوده است. هوش، پیامدها و رخدادها را در جنبه های مختلف زندگی هدایت کرده است. تصمیمات زیادی براساس ظرفیت ها و قابلیت های عقلانی به منظور ارائه فرصت ها و راهنمایی ها به کودکان اعمال می شود و متعاقباً قضاوت در مورد هوش، تعیین کننده موفقیت ها و شکست های فرد می باشد. از طرفی، از نظر تاریخی همواره تاکید بر شناسایی و توصیف ظرفیت ها و قابلیت های ذهنی افراد بوده است. بنابراین مطالعه هوش و عملکرد آن موثر و مفید به نظر می رسد و مطالعه آن در فهم پایه و اساس رفتار بشر امری حیاتی محسوب می شود (جاچیدویس^۱، ۲۰۰۸).

توجه به بعد معنوی انسان چندی است که مورد بررسی مطالعات روان شناسی قرار گرفته و در این میان توجه به هوش معنوی به عنوان قابلیت که می تواند دیدگاه جدیدی را در مورد بهزیستی افراد ارائه کند، حائز اهمیت است، به طوری که آمرام^۲ (۲۰۰۹) رابطه ای بین معنویت، هدف، رضایت از زندگی، سلامتی و بهزیستی ارائه می دهد. هوش معنوی شامل هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکردهای همراه با بصیرت و ملایمت و مهربانی می باشد و توانایی بدست آوردن قدرتی که ما را در اجرای رسیدن به رویایمان یاری می دهد (کشمیری و عرب احمدی، ۱۳۸۶). برخوردار از یک گرایش معنوی به زندگی، از رفتارهای ناسازگار و نامطلوب شخصی و اجتماعی جلوگیری می کند. گرایش به سمت مفاهیم بنیادین دین، و زندگی، به تجربه هدفمندی و احساس رضایت و یکپارچگی شخصیت می انجامد. ویلبر^۳ معنویت را بالاترین مراحل تمام خطوط سیر و رشد می داند و به نظر او معنویت حالتی است مانند عشق که فرد می تواند در هر مرتبه ای که قرار دارد داشته باشد (مکین تایر^۴، ۲۰۰۲). گاردنر (۱۹۹۹) به وجود مسایل وجودی و موضوعات مربوط به معنا و ارزش در هوش معنوی اشاره می کند و معتقد است تنها جنبه ای از معنویت که به نظر می رسد با هوش مرتبط است، علاقه نسبت به شناخت ماهیت جهان و موقعیت فرد در آن می باشد. ایمونز تلاش کرد معنویت را براساس تعریف گاردنر از هوش در چارچوب هوش مطرح نماید. وی معتقد است معنویت می تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش بینی می کند و قابلیت هایی را مطرح می کند که افراد را قادر می سازد به حل مسائل بپردازند و به اهدافشان دسترسی داشته باشند (آمرام، ۲۰۰۵).

هوش معنوی با هوش هیجانی مرتبط است بنابراین به عنوان تمرین معنوی شامل توسعه درون فردی و حساسیت میان فردی است. پرداختن توجه به موضوع فکری، احساسات و پرورش عدلی قسمتی از آگاهی فزاینده از زندگی معنوی درونی است. هوش معنوی به توانایی دیدن چیزها بیشتر از جنبه فردی و شناخت رابطه بین ادراک، ایمان و رفتار فرد بستگی دارد. بیشتر مردم مسؤل رفتارشان هستند اما مسؤل گمان و ادراکشان نیستند. اگر چه اینها به طور نزدیک با هم مرتبط اند. پاکی و پالایش هوش به آموزش و تایپ نیاز دارد و هوش معنوی استثنا ندارد. ما هنگامی که معنی سوالاتی مانند چه هستیم؟ چرا اینجا هستیم را جستجو می کنیم، به هوش معنوی اعتماد می کنیم (عبدالله زاده، ۱۳۸۹). هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان انقلاب بزرگ در زمینه ارتقا بهداشت روانی یاد می شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی، یک حیطة چندعاملی از مجموعه مهارت ها و صلاحیت های اجتماعی است که توانایی های فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان، حل مساله و سازگاری تاثیر می گذارد و به طرز موثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش های زندگی سازگار می کند (بار - ان^۵، ۲۰۰۶). هوش هیجانی آخرین تحول و ابداع مهم، در درک رابطه ای بین تفکر و حافظه است. هوش هیجانی چیزی در درون هر یک از ماست که تا حدودی نامحسوس است. هوش هیجانی است که تعیین می کند چگونه رفتار خود را اداره کنیم، چگونه با مشکلات اجتماعی کنار بیایم، و چگونه تصمیماتی بگیریم که به نتایج مثبت ختم شود. در واقع هوش هیجانی معمولی شامل دو مهارت قابلیت فردی و قابلیت اجتماعی است. قابلیت فردی روی شما به عنوان یک فرد

^۱. Juchidewicz

^۲. Amram

^۳. Villber

^۴. Macintyre

^۵. Bar-on

تمرکز دارد و به دو قسمت خودآگاهی و خود مدیریتی تقسیم می شود. قابلیت اجتماعی بیشتر روی نحوه رفتار با دیگران تمرکز دارد و به آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه تقسیم می شود (برادبری و گریوز، ۱۳۸۶). عامل مهمی که باعث می شود افرادی با هوشبهر متوسط بتوانند به پیشرفت های چشمگیری دست یابند هوش هیجانی است. به عقیده گلمن هرگونه نقص در هوش هیجانی می تواند صدماتی را به بار آورد و در زندگی زناشویی و تربیت فرزندان یا حتی وضعیت جسمانی فرد مشکلاتی را ایجاد کند. فقدان هوش هیجانی می تواند تفکر را مقهور سازد و موقعیت حرفه ای افراد را مختل نماید. نکته مهم این است که هوش هیجانی به هنگام تولد تثبیت شده نیست و در طول زمان پرورش یافته و یا سرکوب می شود (گلمن، ۱۹۹۵). دکتر دانیل گلمن، مولفه های هوش هیجانی را شامل: ۱- خودآگاهی ۲- خودکنترلی ۳- همدلی ۴- خودانگیزی ۵- مهارت های ارتباطی (گلمن، ۲۰۰۳).

بیان مسئله

از مشکلات عمده ای که تاثیر بازدارنده بر کارآمدی و پویایی کودکان دارد و از شکل گیری سالم هویت و نیز شکوفایی استعدادها و قوای فکری و عاطفی آنان جلوگیری میکند، مشکل برقراری ارتباط اجتماعی و نداشتن مهارت ها و سازگاری های لازم اجتماعی است (مهرابی زاده، تقوی و عطاری، ۱۳۹۸).

کودکانی که مهارت های اجتماعی کافی کسب کرده اند در ایجاد ارتباط با همسالان و یادگیری در محیط آموزشی موفق تر از کودکانی هستند که فاقد این مهارت ها می باشند (تیلر، هوپس، و وا لکر^۱ (۲۰۰۳)، به نقل از ایلکنور و بالبین^۲، ۲۰۰۷). به طور کلی باتوجه به تحقیقات انجام شده، چنین بنظر میرسد که جامعه ای که افراد آن از مهارت های اجتماعی مطلوب برخوردار باشند، احساسات واقعی خود را صادقانه ابراز میکنند و در مقابل مسائل زندگی سازگارتر و در کل معنای بیشتری از زندگی خود خواهند داشت و باتوجه به همین تحقیقات در خصوص اثربخش بودن آموزش هوش هیجانی در اقسام مختلف جامعه و ضرورت کسب مهارت های اجتماعی و رفتار جرأت مندانه در نوجوانان و همچنین یافتن معنا و هدف در زندگی آنان، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای این سوال است که آیا میتوان از طریق آموزش هوش هیجانی، سازگاری اجتماعی را افزایش داد پیشرفت تحصیلی آنها را ارتقا بخشید.

به کارگیری مفهوم هوش اجتماعی برای اولین بار به دهه ۱۹۴۰ باز می گردد. پس از آن مایر و سالووی، اصطلاح نقش عمدی در شکل گیری نظریه «هوش چندگانه» هوش هیجانی را توصیف کردند. بر اساس نظریه هوش چندگانه گاردنر، دو نوع عمده هوش وجود دارد: اول هوش و آگاهی درونی فرد که اجازه شناسایی و افتراق احساسات پیچیده انسان را می دهد و دوم دانش و آگاهی در روابط بین فردی که توانایی شناخت و تمایز عواطف و انگیزه های دیگران را به وجود می آورد. سرانجام دانیل گلمن در پر فروشترین کتاب سال ۱۹۹۵ به نام هوش هیجانی، این مفهوم را به صورت گسترده بیان کرده و به آگاهی عموم رساند. معانی هوش در فرهنگ های مختلف به شکل گوناگونی وجود دارد. اما به گونه کلی میتوان هوش را از دیدگاه وکسلر چنین تعریف کرد: هوش مجموعه یا کل قابلیت فرد برای فعالیت هدفمند، تفکر منطقی و برخورد کارآمد با محیط است (۲). گلمن معتقد است: هوش بهر در بهترین حالت خود تنها عامل ۲۰ درصد از موفقیت های زندگی است. ۸۰ درصد موفقیتها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موارد در گرو مهارت های است که هوش هیجانی را تشکیل می دهد (گلمن، ۱۹۹۵). هوش هیجانی که به اختصار ضریب هوش هیجانی^۳ گفته میشود و معمولاً معیار ارزیابی آن را EI مینامند، به توانایی، ظرفیت یا مهارت ادراک، سنجش و مدیریت هیجانات خود و دیگران، دلالت دارد. البته به دلیل تازه بودن نسبی این ایده، تعریف دقیق آن هنوز در بین روانشناسان مورد اختلاف است. این اصطلاح از زمان انتشار کتاب معروف گلمن به گونه های گسترده به صورت بخشی از زبان روزمره درآمد و بحث های بسیاری را برانگیخت. گلمن طی مصاحبه ای با جان انیل (۱۹۹۶) هوش هیجانی را چنین توصیف میکند: هوش هیجانی نوع دیگری از هوش است. این هوش مشتمل بر شناخت احساسات

^۱ Tayler. Hopes, Wahker

^۲ Bulbin & Ilknur

خویشتن و استفاده از «آن برای اتخاذ تصمیمهای مناسب در زندگی است. توانایی اداره مطلوب خلق و خوی و وضع روانی و کنترل تکانشهاست. عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف، در شخص ایجاد انگیزه و امید میکند. هم حسی یعنی آگاهی از احساسات افراد پیرامون شماست. مهارت اجتماعی یعنی خوب تا کردن با مردم». و کنترل هیجان های خویش در رابطه با دیگران و توانایی تشویق و هدایت آنان است. توانایی افراد در مقابله و سازگاری با رویدادهای زندگی به همکاری درهم تنیده ظرفیتهای عقلانی و هیجانی وابسته است و موفقیت فرد در زندگی بستگی به این دارد که فرد بتواند به تجارب هیجانی خود و دیگران بیندیشد و متقابلاً قادر باشد به استدلال هایی که عقل در موردی شخص یا ی موقعیت ترسیم میکند که پاسخهای هیجانی سازش یافته ای بدهد (سالووی، مایر و کاروسو، ۲۰۰۰)

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

داشتن جامعه ای سالم مستلزم داشتن افرادی سالم است، هرچه قدرمیزان سازگاری اجتماعی افراد بالاتر باشد، سلامت جامعه نیز بالاتر خواهد بود. امروزه به رغم پیشرفتهای علمی بشر و تأثیرات آن در شیوه زندگی، هنوز بسیاری از افراد فاقد توانایی و مهارتهای لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در برابر مشکلات زندگی آسیب پذیر کرده است. روانشناسان در دهه های اخیر به این نتیجه رسیده اند که بسیاری از آسیب ها در ناتوانی افراد در تحلیل صحیح مسائل شخصی، عدم احساس کنترل و کفایت جهت رویارویی با موقعیت های دشوار و عدم آمادگی برای حل مشکلات و مسائل زندگی به شیوه های مناسب ریشه دارد (رحیمی، ۱۳۸۵).

بنابراین با توجه به تغییرات و پیچیدگیهای روزافزون و گسترش روابط اجتماعی در عصر کنونی، آماده سازی نوجوانان جهت مقابله با موقعیتهای دشوار امری ضروری به نظر میرسد (مک کی^۱، ۱۳۸۰).

اهمیت و ضرورت آموزش هوش هیجانی زمانی مشخص میشود که بدانیم آموزش هوش هیجانی از چنان اهمیتی برخوردار است که نارسایی آنها می تواند به احساس تنهایی، پوچی، پایین آمدن عزت نفس و بی هدفی در زندگی منجر شود. تمرین هوش هیجانی، موجب تقویت یا تغییر نگرش، ارزش و هدف انسان در زندگی میگردد و در نتیجه با پدید آمدن رفتارهای سالم و مثبت بسیاری از مشکلات قابل پیشگیری خواهد بود. چرا که ارتباطات ضعیف میتواند به روابط ناسالم منجر شود و فشار روانی را افزایش دهد. افراد با هوش هیجانی پایین هم برای خود و هم برای دیگران مشکلات متعددی به وجود می آورند. از این نظر آموزش هوش هیجانی رامیتوان یک مداخله اصلی برای سازگاری بهتر با دنیای جدید معرفی کرد و از آن، جهت ارتقا سلامت روان و ارتقا پیشرفت تحصیلی استفاده کرد.

هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی

آموزش مهارتهای هیجانی و اجتماعی در مدرسه بسیار مهم است و می تواند هم در دراز مدت و هم در کوتاه مدت ضامن موفقیت افراد باشد. پول در مقاله ای (۱۹۹۷) بیان کرد که بهداشت روانی هیجانی عامل پیش بینی کننده ای برای موفقیت تحصیلی و شغلی است وی با انجام مطالعه بر روی ۲۷ نفر از دانش آموزان میانگین نمرات تحصیلی دانش آموزان دارای هوش هیجانی بالاتر از دانش آموزان دارای هوش هیجانی پایین تر به طور معنی داری بهتر بود. ($p < 0/01$)

گانگولس و پیترسن (به نقل از سامرا ۲۰۰۰) با انجام مطالعاتی بر روی ۱۷۵ دانش آموز دبیرستانی با استفاده از هوش هیجانی بار- اون دریافت که دانش آموزان با هوش هیجانی بالاتر در مدرسه خانه و رابطه با دوستان و محیط کار نسبت به دانش آموزان دارای هوش هیجانی پایین تر کمتر شکست را تجربه می کنند. بار- اون (۱۹۹۸) جهت بررسی نقش هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی ۴۷ دانش آموز دارای معدل الف که هوشبهر آنها ۱۰۳ مطابق با آزمون و کسلر داشتند را مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد که میانگین بهر هیجانی آنها برابر با ۱۱۲ بود که بیانگر توانایی بالای این افراد در بر آوردن استلزامهای محیط و کنار آمدن با فشار های روزمره بود.

¹ Mackey

بار- اون پانزده عامل هوش هیجانی را در پانزده خرده مقیاس پرسشنامه بهر هیجانی بار- اون معرفی کرده است هوش هیجانی و مهارتهای هیجانی طی زمان رشد می کنند طی زندگی تغییر می کنند و می توان با آموزش و برنامه های اصلاحی مانند تکنیکهای درمانی آنها را بهبود بخشید.

پانزده عاملی که توسط بار- اون به عنوان عامل های هوش هیجانی در نظر گرفته شده عبارتند از:
 ۱- حرمت ذات ۲- خود آگاهی هیجانی ۳- قاطعیت ۴- خود شکوفائی ۵- استقلال ۶- همدلی ۷- انعطاف پذیری ۸- تحمل فشار ۹- حل مسئله ۱۰- واقعیت سنجی ۱۱- مسئولیت پذیری اجتماعی ۱۲- کنترل تکانه ۱۳- شادکامی ۱۴- خوشبینی ۱۵- روابط بین فردی.

پیشینه تحقیق

حسینیان و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه هوش معنوی با هوش هیجانی در بین دختران دانشجوی الزهرا (س)» به این نتیجه دست یافتند که بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه معناداری وجود دارد به این معنی که هر چند افراد از هوش معنوی بالاتری برخوردار باشند از نظر هوش هیجانی نیز در سطح بالاتری قرار دارند.

شهرابی فراهانی و فرحبخش (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش آموزان دختر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران پرداختند. نتایج تحلیل داده های پژوهش به شرح زیر است: بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد. بین هوش معنوی و مولفه خ و آگاهی هوش هیجانی دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد. بین هوش معنوی و مولفه خودکنترلی هوش هیجانی دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود ندارد. بین هوش معنوی و مولفه همدلی هوش هیجانی دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد. بین هوش معنوی و مولفه خود انگیزی هوش هیجانی دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد. بین هوش معنوی و مولفه مهارت های ارتباطی هوش هیجانی دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد.

فرد دارای سازگاری اجتماعی توانایی برنامه ریزی برای تمام ساعات خود را دارد و تا جایی که امکان دارد در تمام ابعاد زندگی خودجانب اعتدال را نگه میدارد و از افراط و تفریط خودداری میکند (حجازی، ۱۳۸۴).

نادری، (۱۳۸۸) در بررسی آموزش مهارت های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دختران تیزهوش مقطع راهنمایی شهرکرد پرداخته است. نتایج حاکی است که آموزش مهارت اجتماعی بصورت گروهی، سازگاری اجتماعی دختران تیزهوش را افزایش می دهد.

احدی، میرزایی، نریمانی، ابوالقاسمی، (۱۳۸۸) در پژوهش خودباهدف بررسی تأثیر آموزش حل مسأله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دختران کمروی دوره راهنمایی در اردبیل پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش حل مسأله میتواند سازگاری اجتماعی را بهبود بخشد.

رحمتی، (۱۳۸۷) بابررسی اثر آموزش مهارت های اجتماعی بر میزان سازگاری اجتماعی کودکان پایه چهارم ابتدایی در شهر تهران نشان داد که آموزش مهارت های اجتماعی باعث افزایش میزان پذیرش همسالان و کاهش طرد همسالان و کاهش رفتار نامناسب اجتماعی از دیدگاه معلمان می گردد و در نهایت آموزش ابراز وجود بر میزان سازگاری اجتماعی مؤثر است.

در پژوهش دیگری رحیمیان بوگر، (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر جرأت آموزی بر سازگاری اجتماعی و سلامت روان دانش آموزان پسر و دختر دوره راهنمایی شهرضا پرداخت. نتایج نشان داد که آموزش جرأت ورزی، باعث افزایش سازگاری اجتماعی و سلامت روان دانش آموزان گردیده است.

در پژوهش سمیرا بصر شبستری که در سال ۹۰ در بین دانش آموزان دندانپزشکی زنجان صورت گرفت بیشترین نمره میانیگین سازگاری در دانشجویان با پیشرفت تحصیلی ثابت دیده شد اما بین پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی و مولفه های اجتماعی شدن و مسئولیت پذیری رابطه ای معنا داری یافت نشد.

کیلیپا تریک^۱، (۲۰۱۰) پژوهشی به منظور ارتباط بین حمایت اجتماعی و سازگاری اجتماعی انجام داد. نتایج نشان داد که ارتباطی بین سازگاری اجتماعی و حمایت دانش آموزان وجود دارد، و به طور ویژه حمایت والدین باناسازگاری ها در زمان های دیگر مرتبط بوده است.

سیوز^۲، (۲۰۰۸) با بررسی تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی مانند الگوسازی، بازی نقش، جرأت آموزی، تقویت و تمرین و تکرار به دانش آموزان در جهت ایجاد و گسترش روابط اجتماعی مثبت با دیگران کمک مؤثری می کند.

ایلسون^۳، (۱۹۹۱) دریافت که افرادی که با اعتقادات مذهبی قوی تر، سطوح بالایی از رضایت از زندگی و شادی شخصی بیشتر و پیامدهای منفی کمتری از حوادث آسیب زای زندگی را گزارش می دهند (به نقل از عزیزی، ۱۳۸۹).

وستیج^۴، (۱۹۹۶) به ارتباط بین فقدان معنویت و مذهب با درماندگی و پوچی در زندگی اشاره کرد.

محققان بسیاری نشان داده اند که وجود معنا در زندگی ارتباطی معنادار با ابعاد گوناگون شخصیت، سلامت جسمی و ذهنی-سازگاری و انطباق با استرس ها و سازگاری رفتاری دارد (اسکنل و بکر^۵، ۲۰۰۶).

لایتزی و سویینی^۶، (۲۰۰۸)، در بررسی همبستگی های متغیرهای استرس، معنای زندگی، مدارات هیجان، مدار همبستگی خانوادگی با رضایت خانوادگی نشان دادند که این متغیرها، ۳۱٪ از واریانس رضایت خانوادگی را پیش بینی میکنند.

اهداف پژوهش

هدف کلی

هدف کلی این پژوهش؛ شناسایی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس شهرستان البرز می باشد.

فرضیه های پژوهش

- ۱- بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۲- بین عامل خوش بینی آتنظیم هیجان و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۳- بین حامل ارزیابی از هیجانان و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۴- بین عامل مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۵- بین عامل کاربرد هیجانان و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۶- بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۷- بین عامل تشکر وجودی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۸- بین عامل آتاهی متعالی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۹- بین عامل تولید معنای شخصی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۱۰- بین عامل بسط حالت هوشیاری و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۱۱- بین هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.

روش تحقیق

جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر پایه سوم دبستان های البرز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل اند تشکیل می دهند.

¹ Killpatrick

² Sives

³ Illson

⁴ westagat

⁵ Skenel&Beker

⁶ Lyitzy&souini

نمونه آماری بر اساس جدول مورگان و به تعداد ۳۸۰ نفر انتخاب شده اند. روش نمونه گیری به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است. به همین منظور به طور تصادفی دانش آموزان پایه سوم چندین دبستان انتخاب شدند. از مدارس شهرستان مهرگان ۹۶ نفر، شهرستان محمدیه ۱۴۰ نفر و از شهر الوند ۱۴۶ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند و نمونه آماری تحقیق حاضر را تشکیل دادند. در این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری و آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی روابط متغیرهای پژوهش استفاده شده است. کلیه داده های حاصل از اجرای پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۷ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج تحقیق

یافته های توصیفی

جدول ۱. توزیع فراوانی گروه نمونه به تفکیک جنسیت و شهر

شهر	جنسیت				کل	درصد
	دختر	درصد	پسر	درصد		
مهرگان	۹۲	٪۲۴	۵۴	٪۱۴	۱۴۶	٪۳۸
محمدیه	۶۳	٪۱۶	۳۳	٪۹	۹۶	٪۲۵
الوند	۶۹	٪۱۸	۷۱	٪۱۹	۱۴۰	٪۳۷
کل	۲۲۴	٪۵۸	۱۵۸	٪۴۲	۳۸۲	٪۱۰۰

جدول ۲. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

شهر	میانگین		انحراف استاندارد		کمترین مقدار		بیشترین مقدار	
	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر
پیشرفت تحصیلی	۷۷.۱۶	۸۹.۱۶	۱۱.۱	۱۸.۱	۱۰	۱۰	۹۶.۱۹	۸۵.۱۹
هوش معنوی	۶۵.۷۹	۹۴.۸۰	۰.۵.۱۴	۲۹.۱۴	۳۹	۵۱	۱۱۶	۱۰۹
تفکر وجودی	۸۲.۲۳	۴۸.۲۴	۳۹.۵	۲۴.۵	۱۰	۱۱	۳۵	۳۴
آگاهی متعالی	۰۰.۲۴	۶۶.۲۳	۷۹.۴	۳۵.۵	۹	۸	۳۵	۳۲
تولید معنای شخصی	۴۵.۱۷	۸۲.۱۷	۵۰.۳	۸۴.۳	۹	۶	۲۵	۲۵
بساط حالت هشیاری	۳۸.۱۴	۹۹.۱۴	۸۹.۳	۷۸.۳	۵	۶	۲۵	۲۵

۱۸۵	۱۹۰	۱۰۴	۹۰	۰۲.۱۷	۱۷.۱۸	۹۱.۱۴۰	۳۲.۱۴۳	هوش هیجانی
۶۳	۶۵	۳۰	۲۹	۹۷.۷	۷۴.۶	۲۷.۴۸	۸۶.۴۹	خوشبینی / تنظیم هیجان
۴۵	۴۵	۲۲	۲۱	۹۶.۴	۲۲.۵	۳۰.۳۳	۰۷.۳۳	ارزیابی از هیجانات
۴۸	۵۰	۱۹	۲۴	۲۸.۵	۱۳.۵	۷۱.۳۷	۲۶.۳۸	مهارت های اجتماعی
۳۰	۳۰	۱۴	۱۰	۵۶.۳	۵۶.۳	۶۳.۲۱	۱۴.۲۲	کاربرد هیجانات

جدول ۳. ضریب همبستگی نمره کلی و مولفه های هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- پیشرفت تحصیلی						
۲- هوش هیجانی	۱۹.۰**					
۳- خوشبینی / تنظیم هیجان	۲۴.۰**	۹۱.۰**				
۴- ارزیابی از هیجانات	۰۷.۰	۷۸.۰**	۵۷.۰**			
۵- مهارت های اجتماعی	۱۶.۰*	۸۵.۰**	۶۸.۰**	۵۶.۰**		
۶- کاربرد هیجانات	۱۶.۰*	۸۵.۰**	۷۷.۰**	۵۴.۰**	۶۵.۰**	

جدول ۴. ضریب همبستگی نمره کلی و مولفه های هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- پیشرفت تحصیلی						
۲- هوش معنوی	۲۷.۰**					
۳- تفکر وجودی	۱۵.۰**	۸۲.۰**				
۴- آگاهی متعالی	۱۷.۰**	۸۷.۰**	۶۱.۰**			
۵- تولید معنای شخصی	۳۸.۰**	۷۰.۰**	۴۵.۰**	۴۷.۰**		

۳۸.۰**	۶۰.۰**	۴۳.۰**	۷۴.۰**	۱۹.۰**	۶- بساط حالت هشیاری
--------	--------	--------	--------	--------	---------------------

سوال اول: آیا هوش هیجانی و هوش معنوی بین معناداری برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هستند؟

به منظور بررسی هوش هیجانی و معنوی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی، از تحلیل رگرسیون چند گانه به شیوه گام به گام استفاده کردیم. در تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام متغیرهای پیش بین به ترتیب از قوی ترین سهم پیش بینی به ضعیف ترین سهم پیش بینی وارد معادله می شوند و این کار تا زمانی ادامه می یابد که با اضافه شدن متغیر پیش بین دیگر، میزان واریانس تبیین شده افزایش قابل توجهی پیدا نکند.

جدول ۵. خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام پیشرفت تحصیلی از طریق هوش هیجانی و هوش معنوی

گام	متغیر	F	R	R ² تعدیل شده	تغییر R ²	β	B
۱	هوش معنوی	۴۷.۱۷**	۲۷.۰	۰.۷.۰	۰.۷.۰	۲۷.۰**	۰.۳.۰

$P < 0.01$ **

نتایج نشان داد که تنها هوش معنوی توانست پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کند. هوش معنوی به تنهایی ۷ درصد از تغییرات پیشرفت تحصیلی را تبیین می کنند. ضریب رگرسیون ($\beta = 0.27$) و پیشرفت تحصیلی روی هوش هیجانی نشان می دهد که با افزایش هوش معنوی به میزان یک انحراف استاندارد. پیشرفت تحصیلی به میزان ۰,۲۷، انحراف استاندارد افزایش می یابند. هوش هیجانی علی رغم وجود رابطه دو به دویی مثبت و معنادار (جدول ۳) با پیشرفت تحصیلی نتوانست سهم مستقلی از واریانس آن را تبیین کند و به همین دلیل از معادله کنار گذاشته شد.

سوال دوم

آیا تفاوتی بین دانش آموزان دختر و پسر در هوش هیجانی، هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد؟

برای پاسخ به این سوال با توجه به این که تعداد متغیرهای مورد مقایسه (متغیرهای وابسته) بیش از یک بود از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. آزمون ام باکس ($F = 1.77(6.271891.54)$, $P = 0.10$, Box's $M = 10.77$) نشان می دهد که ماتریس واریانس داده ها همگون است. آزمون لوین نیز از برابری واریانس های خطا حمایت می کنند. نتایج آزمون چند متغیره (اثر لامبدای ویلکس = ۰,۹۸۴، $F = 1.26(3.228)$, $P = 0.29$) نشان می دهد که بین دختران و پسران در نمرات پیشرفت تحصیلی، هوش هیجانی و هوش معنوی تفاوت قابل توجهی وجود ندارد با توجه به نتایج آزمون چند متغیره مبنی بر تیود تفاوت بین دختران و پسران در متغیرهای مورد مقایسه، نیازی به اجرای آزمون تک متغیره نیست. بنابراین این تفاوت های مشاهده شده بین میانگین نمرات دختران و پسران (جدول ۲) به لحاظ آماری قابل توجه نبوده و تنها حاصل عامل خطا هستند.

بحث و نتیجه گیری

در این بخش به بررسی و تحلیل حاصل از پژوهش پرداخته می شود و در بخش پایانی محدودیت ها و پیشنهادات پژوهشی بیان می شود.

تبیین فرضیه اول

بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه مثبت وجود دارد.

با توجه به جدول ۳-۴ نتایج تحلیل همبستگی به شیوه پیرسون نشان می دهد که بین هوش هیجانی و هوش معنوی رابطه مثبت ($P < 0.01$, $R = .48$) وجود دارد. این رابطه به لحاظ آماری معنادار و مهم است. تبیینی که میتوان برای این نتیجه ارائه داد به این صورت است که به نظر میرسد یک رابطه تعاملی بیت هوش معنوی و هوش وجود دارد و هر دو بر یکدیگر تاثیر مستقیم دارند؛ به عبارت دیگر با افزایش و رشد یکی، افزایش و رشد دیگری نیز حاصل خواهد شد. براساس نتایج می توان اذعان نمود که اگر انسان بتواند در کارها و امور دنیوی خود با توکل بر خداوند و محوریت قرار دادن فرامین او، با دیگران ارتباط برقرار کند و در هر شرایطی به دیگران کمک کند، می توان شاهد یک انسان وارسته، خدا ترس بود. در واقع، این گونه عمل نمودن، مورد رضایت خداوند و خلق لوست: بنابراین تقویت هوش معنوی که همان اطاعت پذیری از خداوند است، باعث بهبود رفتار اجتماعی، احترام به عواطف و احساس ها و رعایت حقوق دیگران و یا به عبارت دیگر به بهبود و تقویت هوش هیجانی می شود از طرفی یکی از ابعاد هوش معنوی شناخت و بصیرت افراد نسبت به خویشان است که افراد با استفاده از این شناخت و بصیرت به تنظیم هیجانات خود می پردازند از طرف دیگر تا افراد از نظر هوش هیجانی در سطح بالایی قرار نداشته باشند نمی توانند از ویژگی هایی مثل بخشش و صداقت و غیره برخوردار باشند.

این نتیجه با نتایج تحقیقات فرامرزی و همکاران (۱۳۸۹) الکنز و کاوندیش (۲۰۰۴) راکت (۲۰۰۳) رستمی (۱۳۸۴). سیف الهی (۱۳۸۸)، صیادی و همکاران (۱۳۸۸)، یلاویج (۱۹۹۵)، توماس وهافر (۲۰۰۹)، جیولا و همکاران (۲۰۰۴)، هارمر و فالج (۲۰۰۹)، مطالعات روس (۱۹۹۴) و موسسه آگاهی سنج پرودیو (۲۰۰۵) همسر میباشد.

تبیین فرضیه دوم تا ششم

نتایج پژوهش نشان می دهد که بین مولفه ها و نعره کلی هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنا داری وجود دارد. یافته تحقیق حاضر با تحقیقات و بازرسی و همکاران ۲۰۱۱: ورنون و همکاران ۲۰۰۸؛ مارکوس و همکاران، ۲۰۰۶: آستین و همکاران، ۲۰۰۵؛ پارکر و همکاران ۲۰۰۴، لیونز و اشنايدر ۲۰۰۵، الیاس و همکاران، ۲۰۰۳: حنیقی و جویباری ۱۳۸۹؛ موسوی توری، ۱۳۸۸؛ رهنما و عبدالملکی ۱۳۸۸؛ حدادی کوهسار، ۱۳۸۸: بشارت و همکاران، ۱۳۸۴؛ خلیل ارجمندی، ۱۳۸۳) همسو میباشد.

بر اساس یافته های پژوهش چهار مؤلفه هوش هیجانی که شامل خوش بینی/ تنظیم هیجان، ارزیابی از هیجانات، مهارتهای اجتماعی، کاربرد هیجانات میباشد، همگی با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری دارند که با نتایج تحقیق حدادی کوهسار، ۱۳۸۸ همسو می باشد.

کلمن (۱۳۸۲) معتقد است توانایی هایی مانند اینکه فرد بتواند انگیزه خود را حفظ کند. در مقابل ناملایمات پایداری کند، تکانش های خود را کنترل کنند و کامیابی را به تعویق بباندازد. حالات روحی خود را تنظیم کند و اجازه ندهند پریشانی خاطر، تفکر او را خدشه دار سازد و با دیگران همدلی کند همه این ها آن چیزی است که تحت عنوان هوش هیجانی مورد بررسی قرار می گیرد. اگر چه بهره هوش در سن ۷ سالگی به عنوان یک تعیین کننده اصلی در پیشرفت تحصیلی محسوب میشود اما بعد از ۷ سالگی متغیرهای دیگری از جمله هوش هیجانی وارد این ارتباط شده و سهم متغیرهای قبلی کمتر می شود. از طرفی با گذشت صد سال از زمان استفاده از آزمونهای شناختی، هنوز تنها ۲۰٪ از موفقیت کارها را میتوان با استفاده از بهره هوش (IQ) پیش بینی کرد بنابراین مهارتهای هیجانی می تواند به عنوان یک متغیر مهم تأکیر دراز مدت بر موفقیت تحصیلی داشته باشد (الیاس و همکاران، ۲۰۰۳). داده های موجود نشان می دهد که هوش هیجانی می تواند به اندازه هوشبهر و گاهی اوقات بیش از آن قدرت داشته باشد: و در حالی که عده ای معتقدند هوشبهر را نمی توان از طریق تجربه با آموزش چندان تغییر داد، اما قابلیت های عاطفی را میتوان به کودکان آموخت و سطح آن را در آن ها ارتقا داد. شواهد بسیاری تایید می کنند افرادی که مهارت هیجانی دارند، یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی کنترل می کنند و احساسات دیگران را

نیز درک و به طرز اثر بخشی با آن برخورد می کنند در حیطه ای از زندگی ممتازند، خواه در روابط عاطفی و صمیمانه باشد و خواه در فهم قواعد تألقته ای که در خط مشی سازمانی به پیشرفت می انجامند. افرادی که مهارتهای عاطفی شان به خوبی رشد یافته، در زندگی خویش نیز خرسند و کارامند و عاداتی گری را در اختیار دارند که موجب می گردند آن ها افرادی مولد و کارآمد باشند. افرادی که نمی توانند بر زندگی عاطفی خود تسلط داشته باشند، درگیر کشمکش های روانی هستند که از توانایی آنان برای انجام کار متمرکز و تفکر روشن می کاهد یافته های اصلی از مطالعه های مربوط به افراد یا هوش هیجانی بالا نشان می دهد این افراد: احساسات خود را به طور مستقیم بیان می کنند، ابراز احساس خود نمی ترسند. روابط کلامی را درک می کنند، احساس های خود را به صورت عقلانی بیان میکنند. کاری که در نظر دارند انجام می دهند، وابسته به دیگران نیستند، از روی ترس و نگرانی اقدام به انجام دادن کاری نمی کنند و از همه مهمتر انتظار موفقیت دارند هین، به نقل از تهامی منقرد، (۱۳۸۱).

بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه مثبت وجود دارد:

نتایج پژوهش نشان می دهد که بین هوش هیجانی و هوش معنوی رابطه مثبت وجود تبیین فرضیه دوم بین عامل خوش بینی تنظیم هیجان و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش نشان دادند که بین عامل خوشبینی/ تنظیم هیجان و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد

فرضیه های هفتم تا یازدهم

بین عامل تفکر وجودی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
 بین عامل آگاهی متعالی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
 بیت عامل تولید معنای شخصی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
 بین عامل یسط حالت هوشیاری و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
 بیت هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد.
 در فرضیه هفتم تا دهم پیش بینی شده است که مولفه های هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی رابطه داشته باشند. در فرضیه یازدهم انتظار می رود که هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت داشته باشد. برای بررسی این فرضیه ها نیز از تحلیل همبستگی دو به دویی به شیوه پیرسون استفاده کردیم. یافته ها در جدول ۴ ارائه شده اند. هیچ یک از فرضیه های هفتم تا یازدهم رد نمی شوند. بر این اساس و با توجه به مثبت بودن همه رابطه ها، نمرات بالا در هوش معنوی و مولفه های آن با نمرات بالا در پیشرفت تحصیلی همراه هستند.
 این نتیجه، فرضیات هشت تا یازده برای نخستین بار بررسی شده.

تبیین سوالات پژوهش

سوال اول: آیا هوش دهیجانی و هوش معنوی پیش بیت معناداری برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هستند؟
 در این پژوهش تنها هوش معنوی توانست پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کند. هوش معنوی به تنهایی ۷ درصد از تغییرات پیشرفت تحصیلی را تبیین می کند. ضریب رگرسیون ($\beta = 0.27$) پیشرفت تحصیلی روی هوش هیجانی نشان می دهد که با افزایش هوش معنوی به میزان یک انحراف استاندارد، پیشرفت تحصیلی به میزان ۰.۲۷ انحراف استاندارد افزایش می یابد. هوش هیجانی علی رغم وجود رابطه دو به دویی مثبت و معنادار (جدول ۳) با پیشرفت تحصیلی نتوانست سهم مستقلی از واریانس آن را تبیین کنند و به همین دلیل از معادله کنار گذاشته شد.
سوال دوم: آیا تفاوتی بین دانش آموزان دختر و پسر در هوش هیجانی، هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد؟

نتایج آزمون چند متغیره (اثر لامبدای ویلکس=۹۸۴، $P = 0.29, F = 1.26_{(3,228)}$) نشان می دهد که بین دختران و پسران در تمرات پیشرفت تحصیلی، هوش هیجانی و هوش معنوی تفاوت قابل توجهی وجود ندارد. با توجه به نتایج آزمون چند متغیره میتی پر تیود تفاوت بین دختران و پسران در متغیرهای مورد مقایسه، نیازی به اجرای آزمون تک متغیره نیست. بنابر این تفاوت های مشاهده شده بین میانگین نمرات دختران و پسران (جدول ۲) به لحاظ آماری قابل توجه نبوده و تنها حاصل عامل خطا هستند.

محدودیت ها

- با توجه به اینکه در پژوهش حاضر، متغیرهای دیگری که می توانند نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار دهند (سن، هوش ویژگی های شخصیتی) مورد کنترل قرار نگرفته است. از تعمیم پذیری نتایج کاسته شده و احتمال دارد یا کنترل های دیگر نتایج متفاوتی بدست آید.
- عدم استفاده از آزمون های عملکردی هوش هیجانی به جای پرسشنامه خود گزارشی.
- یکی از محدودیت ها استفاده از نمره ی معدل به عنوان تنها ملاک پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه پیشرفت تحصیلی بر عوامل مختلفی تاثیر دارد و از عوامل مختلفی هم تاثیر می پذیرد عوامل و متغیرهای دیگری که بر پیشرفت تحصیلی تاثیر دارد باید شناسایی و پژوهش های دیگر و دریافت فرهنگی متنوع مورد استفاده قرار گیرد.
- با توجه به اینکه پژوهش در میان دانش آموزان شهرستان البرز انجام گرفته است پیشنهاد می شود تا متغیرهای این پژوهش بر روی دانش آموزان سایر استان ها هم انجام گیرد تا جنبه های مختلف موضوع بیشتر روشن شود.
- به دلیل اینکه هوش هیجانی تاثیر به سزایی بر پیشرفت تحصیلی دانش جویان دارد. بنابراین مؤلفه های اصلی آن شامل: خوشبینی، تنظیم هیجان، ارزیابی هیجانات، مهارت اجتماعی. کاربرد هیجانات و در برنامه درسی دانش آموزان لحاظ شود تا آنها بتوانند این مهارتها را آموخته و در زندگی روزمره خود از آن ها استفاده کنند.
- تربیت معلمان با توانایی مهارتهای هوش هیجانی و هوش معنوی بالا، توصیه می شود.

منابع

۱. اسلامی نسب، عیرضا. (۱۳۷۴). روانشناسی سازگاری، تهران، چاپ و نشر بنیاد.
۲. بنیامین جیمز و سادوک، ویرجینیا الکوت. (۱۳۸۷). کاپلان و سادوک، خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری / روانپزشکی بالینی. ترجمه فرزین رضایی. جلد اول، تهران، انتشارات ارجمند.
۳. بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۴). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. چاپ اول. تهران، انجمن اولیا و مربیان. ص ۱۱.
۴. حاتمی فرد، کافی، خوش روش. (۱۳۹۰). اثر بخشی آموزش مهارت های حل مساله و ابراز وجود والدین بر میزان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان آنها. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره ۷، سال دوم، ص ۶۸ الی ۷۹.
۵. خانعلی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت های شناختی، رفتاری، ارتباطی-بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان ایثار گر شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه اصفهان.
۶. سلیمانی، افروز، لواسانی. (۱۳۸۹). تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دیر آموز. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۳۳ سال نهم، ص ۱۱۶۴ الی ۱۱۸۶.
۷. سیدمحمدی، یحیی. (۱۳۸۴). انگیزش و هیجان. ص ۴۷۰.

۷. شفیعی ابادی، ناصری. (۱۳۷۸). نظریه های مشاوره و روان درمانب
۸. شولتز. (۱۳۸۶). نظریه های شخصیت، ترجمه یحی سید محمدی. تهران، نشر ارسباران.
۹. صدیقی، کاظم. (۱۳۸۸). بررسی اثر بخشی آموزش شناختی-رفتاری عزت نفس بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پایه سوم دبیرستان های نیشابور. پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره. دانشگاه اصفهان.
۱۰. طالب زاده نوبریان م، نوروزی ع.ع، عباس علی. (۲۰۱۱). رابطه ی بین هوش هیجانی و آگاهی فراشناختی از راهبردهای خواندن با عملکرد تحصیلی دانش آموزان گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید. فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲(۶)، ۱-۲۲.
۱۱. عادل، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی اثر بخشی آموزش شناختی با رویکرد اسلامی بر معنا داری زندگی و رضایتمندی از زندگی در دانش آموزان دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه اصفهان.
۱۲. کلینکه ک ال. (۱۳۸۰). مهارت های زندگی. ترجمه ش محمد خانی، تهران: اسپند هنر.
۱۳. مظاهری، جمیله. (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی آموزش ابراز وجود بر هراس اجتماعی و سلامت ذهن دانش آموزان شهر بویین میاندشت. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. دانشگاه اصفهان.
۱۴. هارجی، اون. کریستین ساندرز، دیوید دیکسون. (۱۳۸۴). مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، چاپ سوم، تهران، انتشارات رشد.

15. Alberti, R. E., Emmons, M. L. (2001). You're Perfect Right: Assertiveness and Equality in Your Life and Relationships. 8 th ed. Impact Publishers,
16. Arrindell, W. A. , Sanderman, R. , Hageman, W. J. ,& Pickersgill, M. J. (1991). Correlates of assertiveness in normal and clinical samples: A multidimensional approach. Behaviour Research and Therapy, Vol. 12(4),153-
17. Aschen SR. (1997). Assertive training therapy in psychiatric milieu Archive of psychiatric nursing. 11 (1): 46- 51
18. Atascadero, CA, US Amanda, W. Harrell. , Sterett, H. Mercer. ,& Melissa, E. Derosier. (2008). improving the social behavioral Adjustment of Adolescents: The Effectiveness of a Social Skills Group Intervention. , Journal of child and Family Studies.
19. Azais, f., Granger, B., Debray, Q., & Ducroix, C. (1999). Cognitive and emotional approach to assertiveness. Encephale, 25(4), 353-357.
20. Barton Arwood, S., Morrow, L., Lane, K., Jolivette, K. (2005). Project Improving Teachers Ability to Address Students Social Needs. Educational and treatment of Children
21. Elliot, S. N., & Gresham, F. M. (1999). Social skills interventions for children. Behavior Modification, 17, 287-313.
22. Hargie, o., Saunders, C., Dickson, D. (2004). Social Skills In interpersonal children. Behavior Modification, 17, 287-313.
23. Hargie, o., Saunders, C., Dickson, D. (2004). Social Skills In interpersonal Communication Third edition. London: Rutledge.

Investigating the relationship between spiritual intelligence and emotional intelligence with academic achievement in primary school students in Alborz

Hanieh Soltanian^{1*}, Alireza Bozorgzadeh²

1- Master student of educational research, Payame Noor University of Karaj and primary school teacher

2- Ph.D of Management, lecturer at Payame Noor University of Karaj

Abstract

The present study was conducted to investigate the relationship between emotional intelligence and spiritual intelligence with academic achievement. The research design is non-experimental and correlational. The sample includes third grade students of Alborz primary schools who were selected by cluster sampling. The Shot Emotional Intelligence Scale and the King Vedico Spiritual Intelligence Scale were used, and students' academic status in the second half of the school year was considered as a measure of academic achievement. Data were analyzed using correlation and multiple regression analysis. The results show that academic achievement with all components of spiritual intelligence including existential thinking, transcendent awareness, production of personal meaning and development of consciousness, from the components of spiritual intelligence and also with the components of optimism, emotion regulation, social skills, application of emotion from Emotional intelligence has a significant relationship and the overall score of emotional intelligence and spiritual intelligence has a positive and significant relationship with academic achievement. Also, the research findings indicate a direct and significant relationship between emotional intelligence and spiritual intelligence. There is no significant difference in academic achievement scores, emotional intelligence and spiritual intelligence.

Keywords: Emotional intelligence, Spiritual intelligence, Academic achievement, Primary school, Alborz
